Security Horazions

Securitization of Tehran in London's Political Sphere: A Critical Discourse Analysis of the UK Parliament's 2025 Report

Hojatollah Noori Sari [1]

1- Associate Professor, University of Imam Hussein, Tehran, Iran Noori1404@chmail.ir

Volume info

Vol. 19
Series: 71
Summer 2026
P.P: 37-59

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-10-19
Revised:
2025-11-11
Accepted:
2026-08-03
Published:
2026-08-31

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250

Abstract

The 2025 report of the United Kingdom Parliament's Intelligence and Security Committee (ISC) on Iran constitutes one of the most consequential policy texts in the construction of the Islamic Republic as a security threat within contemporary Western security discourse. This study examines how the report, through the deployment of security-oriented language and discursive strategies, constructs Iran as an object of securitization, thereby legitimizing policies of sanctions, coercive pressure, and strategic alignment with the United States and the Zionist regime. More specifically, the article addresses the following research question: How does the UK Parliament's report discursively represent Iran as a multidimensional security threat? Methodologically, the study draws upon Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis (CDA), examining the report across three interrelated dimensions: textual analysis, discursive practice, and social practice. The findings reveal that, at the textual level, the report is characterized by the systematic use of threat-oriented lexicon and security labels; at the level of discursive practice, Iran is constructed as a multidimensional threat encompassing the nuclear, cyber, terrorist, and regional domains; and at the level of social and ideological practice, the United Kingdom's policies toward Tehran are represented as security imperatives rather than political choices. The analysis demonstrates that the report forms part of a broader process of securitizing Iran within British official discourse, reinforcing Iran's identity as a 'threatening Other' and, consequently, orienting the future trajectory of British foreign policy toward containment and deterrence rather than engagement and cooperation.

Keywords: Critical Discourse Analysis (CDA), Securitization, United Kingdom, Britain, Iran, Islamic Republic.

Cite this Article: Noori Sari,H . (2026). Securitization of Tehran in London's Political Sphere: A Critical Discourse Analysis of the UK Parliament's 2025 Report. Security Horizons, 19(71), 37-59.
Dor: 20.1001.1.25381857.1405.19.71.2.9

Publisher: Imam Hossein University.

«آفاق امنیت»

امنیتی‌سازی تهران در سپهر سیاسی لندن؛ تحلیل گفتمان انتقادی گزارش ۲۰۲۵ پارلمان انگلیس

حجت‌اله نوری ساری[۱]

۱. استادیار روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان .ایران. danyalrezapoor@guilan.ac.ir

چکیده

گزارش سال ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا درباره ایران یکی از مهم‌ترین متون سیاستی در تهدیدنمایی از جمهوری اسلامی در گفتمان امنیتی غرب است. مسئله اصلی این است که چگونه این گزارش با به‌کارگیری زبان امنیتی و استراتژی‌های گفتمانی، ایران را موضوع امنیتی‌سازی قرار داده و به سیاست‌های تحریم، فشار و همسویی با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی مشروعیت می‌بخشد. در واقع هدف از این نوشتار پاسخ به این پرسش اصلی است که «چگونه گزارش پارلمان انگلیس، ایران را به‌مثابه یک تهدید چندوجهی امنیتی بازنمایی کرده است؟». روش تحقیق مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است که سه سطح متن، رویه گفتمانی و بافت اجتماعی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح زبانی، واژگان تهدیدآمیز و برچسب‌های امنیتی برجسته‌اند؛ در سطح گفتمانی، ایران به‌عنوان تهدیدی چندبعدی (هسته‌ای، سایبری، تروریستی، منطقه‌ای) معرفی می‌شود؛ و در سطح اجتماعی و ایدئولوژیک، سیاست‌های بریتانیا در قبال تهران به‌مثابه ضرورتی امنیتی و نه انتخابی سیاسی بازنمایی می‌شوند. نتایج بیانگر آن است که این متن بخشی از روند گسترده‌تر امنیتی‌سازی ایران توسط مقامات بریتانیا است که موجب تثبیت هویت ایران به‌عنوان «دیگریِ تهدیدگر» و در نتیجه سامان‌دهی آینده سیاست لندن بر مبنای مهار و بازدارندگی می‌شود، نه تعامل و همکاری.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، امنیتی‌سازی، بریتانیا، انگلیس، ایران، جمهوری اسلامی.

سال و شماره

سال ۱۹ ، پیاپی: ۷۱
تابستان ۱۴۰۵
صص: ۶۰-۳۷

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵

استناد: نوری ساری، حجت اله . (۱۴۰۵). امنیتی‌سازی تهران در سپهر سیاسی لندن؛ تحلیل گفتمان انتقادی گزارش ۲۰۲۵ پارلمان انگلیس. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۹(۷۱)، ۵۹-۳۷.

Dor: 20.1001.1.25381857.1405.19.71.2.9

ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع).

مقدمه

تاریخ مناسبات دوجانبه انگلستان و ایران، در طول دو قرن اخیر، فراتر از تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی، بر بستر فرآیندهای امنیتی‌ساز شکل گرفته است؛ از امتیازات استعماری تا مداخله‌های مستقیم سیاسی-امنیتی. در این روایت، ایران نه به‌عنوان یک کشور مستقل با منافع مشروع، بلکه به‌عنوان یک متغیر بی‌ثبات و تهدیدآمیز در معادلات ژئواستراتژیک بریتانیا در غرب آسیا، بازتعریف می‌شود. از دهه ۱۸۷۰ به بعد، بریتانیا به ایران نگرشیِ جدی‌تر در حوزه سیاسی-امنیتی داشت، فراتر از توجهات علمی-فرهنگی و یا باستان‌شناسانه و ادبی. در قرن نوزدهم، با گسترش امپراتوری بریتانیا و رقابت آن با روسیه تزاری در قالب «بازی بزرگ»[1]، ایران به عنوان خط مقدم امنیت هند، به نوعی مستعمره‌ی بریتانیا تلقی می‌شد. با توجه به خطوط ارتباطی زمینی طولانی و دشواری‌های محافظت از مناطق تحت نفوذ بریتانیا، این آسیب‌پذیری هند بود که باعث نگرانی لندن از سوی ایران شد. چنانکه لرد سالیسبوری در سال ۱۸۸۹ ادعا کرد: «اگر هند را در اختیار نداشتیم، خود را بابت ایران چندان به زحمت نمی‌انداختیم» (Ferrier, 1982: 22). این نگاه، مقدمه‌ای برای مداخلات نظامی و دیپلماتیک انگلیس در امور داخلی ایران، از جمله تحمیل پیمان‌های استعماری مانند عهدنامه ترکمنچای (۱۲۰۶ .ش) یا معاهده پاریس (۱۲۳۵ .ش) شد. اشغال نظامی ایران در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز در همین چارچوب بود؛ در مرحله نخست جنگ جهانی اول (نوامبر ۱۹۱۴ تا پایان ۱۹۱۵) انگلیسی‌ها، ترک‌های عثمانی و روس بی-طرفی ایران را نقض کردند؛ بریتانیا و روسیه برای تقسیم جدید ایران به توافقی پنهانی رسیدند. در مرحله دوم (دسامبر ۱۹۱۵ تا مارس ۱۹۱۷) ایران بار دیگر مورد تهاجم انگلستان و روسیه قرار گرفت؛ تلاش عثمانی به سرانجامی نرسید و روسیه و انگلستان بخش‌های وسیعی از خاک ایران را به کنترل خود در آوردند. در مرحله سوم (آوریل ۱۹۱۷ تا ژانویه ۱۹۱۸) به دلیل انقلاب روسیه و خروج ارتش این کشور از ایران، انگلستان تمام خاک ایران را تصرف کرد. مرحله چهارم از ژانویه ۱۹۱۸ آغاز شد که طی آن نیروهای انگلیسی به غرب، شمال و شرق ایران حمله کردند و مناطقی را که پیشتر در اختیار روس‌ها بود، به اشغال خود درآوردند (مجد، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۷). البته در سال‌های بعد نیز ثروت نفتی ایرانی‌ها، موجب امنیتی‌سازی ایران در راهبرد بریتانیا شد؛ به طوری

1 The Great Game

که بحران‌آفرینی در مسیر ملی‌شدن صنعت نفت ایـران در سـال ۱۳۳۰-۱۳۳۲ نقطـه عطفـی در ایـن روند بود. در این دوره، نهادهای امنیتی بریتانیا، بـه‌ویـژه ام.آی.۶ بـا همکـاری سـازمان سـیا، دکتـر محمد مصدق را نه به‌عنوان یک نخست‌وزیر ملی‌گرا، بلکه به‌عنوان «تهدیدی برای ثبـات منطقـه و منافع غرب» معرفی کردند. به همین دلیل هم واکنش لندن در مقابل آن شامل فشارهای دیپلماتیک و طرح اقدامات پنهانی برای سرنگونی دولت مصـدق بـود کـه اوج ایـن مداخلـه، در کودتـای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نمایان شد. پژوهش‌های مبتنی بر اسناد آزادشده سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکـا به‌روشنی نشان می‌دهد که عملیات آژاکس[1] با همکاری مستقیم سرویس اطلاعاتی بریتانیا طراحـی و اجرا شد. بریتانیا با هدف تضعیف پایگاه سیاسی مصدق، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را اعمال و مانورهای نظامی در منطقه انجام داد. شرکت نفت ایران و انگلیس از مـاه مـه بـا کـاهش عمـدی تولید و ممانعت از بارگیری نفت‌کش‌ها در بندر آبادان، بحران را تشدید کرد. تا پایان ژوئیـه، ایـن اقدامات به یک محاصره تمام‌عیار تبدیل شد همزمان، یک تیپ چترباز بریتانیایی در میانه ماه مه به قبرس اعزام شد و ناوچه موریس به آبادان گسیل گردید (Gasiorowski, 1987: 263). پـس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نیز نگاه امنیتی انگلیسی‌ها نسبت به کشور ایـران ادامـه یافت. در همین راستا، لندن برای سـرکوب انقـلاب اسـلامی و مهـار حرکـت ملـت ایـران از هـیچ کمکی به رژیم پهلوی مضایقه نکرد. فروش تسلیحات نظامی به حکومت ایـران، اعـزام کارشـناس ضدشورش، عدم حمایت از اعتراضات مردم ایران، سـکوت در قبـال نقـض صـریح حقـوق بشـر و آزادی‌های مدنی در ایران و حمایت از روحانیت غیرسیاسی در مقابل روحانیـت انقلابـی از جملـه اقدامات لندن در جهت سرکوب و مهار انقلاب مردم ایران بود. چنانکه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ «وزیـر دفاع انگلیس در مجلس عوام از فروش اسلحه به دولت ایران پشتیبانی کرد» (اخوان‌تـوکلی، ۱۳۸۶: ۳۴۸). همچنین دولت انگلیس از تصمیم شاه مبنی بـر برقـراری یـک دولـت نظـامی حمایـت کـرد (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، سـند ۱۶۰). یکـی از مهـم‌تـرین اقـدامات دولـت انگلـیس در جهـت تضعیف ایران در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی کمک به معارضین و تماس با مخالفین جمهوری اسلامی بود. «در بین افراد و گروه‌های مشهور یا ناشناخته‌ای از جمع مخالفـان ایرانـی در خارج از کشور که به طور مداوم با مقامات بریتانیایی در تماس بودند دیـدار روز ۱۸ مـارس ۱۹۸۱

1 TPAJAX

(۲۸ اسفند ۱۳۵۹)، شاهرخ فیروز و نظام عامری با پاتریک ووگان معاون بخش خاورمیانه وزارت خارجه انگلیس جالب است. بنا به نظر این دو رجل اشرافی ایرانی، دولت بریتانیا طی عملیاتی می‌بایست با «ایجاد یک حادثه در ایران، به کسانی که قصد دارند برای سرنگونی رژیم کنونی قیام کنند، چراغ سبز نشان دهد» (Tafreshi, 2012: 20). به‌این‌ترتیب، تاریخچه خصومت میان ایران و بریتانیا نه حاصل یک رویداد منفرد بلکه محصول فرآیندی انباشتی است که در آن اقتصاد، سیاست و امنیت به هم تنیده‌اند. این پیشینه، بنیان تحلیلی مهمی برای درک گزارش سال ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا فراهم می‌آورد؛ گزارشی که ایران را بار دیگر موضوع امنیتی‌سازی قرار داده است.

بیان مسئله

مطالعه گفتمان‌های امنیتی غرب درباره جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اسناد سیاستی رسمی دولت‌ها و مجالس قانون‌گذاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا این سنخ از متون نه صرفاً بازتابی از برداشت‌های نخبگان سیاسی، بلکه ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های عملی در حوزه دیپلماسی، امنیت و اقتصاد محسوب می‌شوند. گزارش سال ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا نمونه بارزی از این وضعیت است؛ متنی که در مقام سندی رسمی، تلاش می‌کند ایران را به‌مثابه «تهدید امنیتی چندبعدی» بازنمایی کرده و بدین‌وسیله سیاست‌های فشار، تحریم و همسویی با راهبردهای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را توجیه‌پذیر سازد. با وجود این اهمیت، در جامعه علمی ایران خلأ معناداری در واکاوی انتقادی این‌گونه متون وجود دارد. اغلب پژوهش‌ها در حوزه روابط ایران و انگلیس بر بُعد تاریخی (مانند کودتای ۲۸ مرداد) یا بر تحلیل سیاست خارجی معاصر متمرکز بوده‌اند، اما کمتر مطالعه‌ای به بررسی زبانی و گفتمانی متون سیاستی بریتانیا پرداخته است؛ متونی که در واقع «بستر تولید معنا» برای سیاست عملی و چارچوب ذهنی نخبگان تصمیم‌گیر در لندن محسوب می‌شوند. بنابراین، فهم سازوکارهای زبانی و ایدئولوژیک در این گزارش، تنها تحلیل یک متن منفرد نیست بلکه مطالعه‌ای در خصوص چگونگی استمرار فرایند امنیتی‌سازی ایران در غرب است. از منظر علمی، واکاوی چنین متونی دو توجیه بنیادین دارد: نخست، این‌که شناخت شیوه‌های تهدیدنمایی و برساخت ایران به‌عنوان

«دیگری تهدیدگر» می‌تواند ابزاری برای تبیین چرایی استمرار تحریم‌ها، فشارها و سیاست‌های خصمانه غرب باشد؛ دوم، این‌که تحلیل انتقادی گفتمان‌های مسلط، امکانی برای بازاندیشی در استراتژی‌های دیپلماتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، مسئله محوری این پژوهش آن است که چگونه گزارش ۲۰۲۵ پارلمان بریتانیا با بهره‌گیری از راهبردهای گفتمانی خاص، به بازتولید روایت امنیتی از ایران دست می‌زند و این بازنمایی چه پیامدهایی برای جایگاه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در آینده دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امنیتی‌سازی ایران در اسناد سیاستی غربی، پدیده‌ای صرفاً مقطعی یا وابسته به تحولات روزمره سیاسی نیست، بلکه بخشی از فرایند مستمر تولید معنا در گفتمان امنیتی غرب به شمار می‌آید. گزارش‌های رسمی همچون سند سال ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا نه‌تنها چارچوب تحلیلی و مفهومی نخبگان سیاسی و امنیتی را شکل می‌دهند، بلکه به‌عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های عملی همچون تحریم، فشار دیپلماتیک و همسویی نظامی نیز عمل می‌کنند. ازاین‌رو، واکاوی انتقادی چنین متونی برای جامعه علمی ایران ضرورتی دوچندان دارد؛ زیرا درک چگونگی بازنمایی ایران در این اسناد، به فهم بهتر منطق سیاست خارجی لندن و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی یاری می‌رساند. از دریچه علمی، این پژوهش دست‌کم سه ضرورت عمده دارد: نخست، پرکردن خلأ مطالعاتی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی متون سیاستی انگلیس درباره ایران؛ چرا که بیشتر پژوهش‌های موجود یا بر تاریخ روابط دو کشور متمرکز بوده یا به تحلیل‌های کلان روابط بین‌الملل بسنده کرده‌اند. دوم، ارائه الگویی نظری و روش‌شناختی برای مطالعه گفتمان‌های امنیتی غربی که می‌تواند در بررسی سایر متون مشابه نیز به کار گرفته شود. به‌طور کلی، اهمیت این مقاله در آن است که با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، از سطح توصیف رویدادها فراتر رفته و سازوکارهای زبانی، ایدئولوژیک و معنایی بازنمایی ایران در گفتمان امنیتی لندن را آشکار می‌سازد؛ فرایندی که بدون شناخت علمی آن، امکان مواجهه مؤثر با پیامدهای سیاستی و امنیتی آن وجود نخواهد داشت.

با وجود اهمیت موضوع، نکته‌ای قابل تأمل این است که تاکنون پژوهش‌های موجود عمدتاً بر تحولات داخلی گفتمان امنیت متمرکز بوده و کمتر به متون سیاستی و امنیتی غربی-به‌ویژه گزارش‌ها و مواضع رسمی مؤسسات سیاسی مانند پارلمان بریتانیا- پرداخته‌اند. این کمبود فضای مناسب برای بررسی انتقادی گفتمان های امنیتی موجود در دستگاه نظری، منطق عملی و زبان سیاست خارجی کشورهای غربی ایجاد کرده است. لذا این تحقیق با تمرکز بر گزارش ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا، در فضای معنایی و پژوهشیِ کم‌توجه به تحلیل گفتمان رسمی غربی جای می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی درباره تحلیل گفتمان امنیت ملی و بررسی سیاست‌های امنیتی به انجام شده است: حمیدیان و عباسی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان امنیت ملی در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی ایران پس از انقلاب»، رویکردی مبتنی بر چارچوب‌های نظری نورمن فرکلاف و تئون فن‌دایک را به کار گرفته‌اند. همچنین مرادی، عبداله‌زاده و ذاکریان امیری در مقاله «بررسی سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا بر اساس روش تحلیل گفتمان»، پژوهشی را ارائه داده‌اند که با استفاده از روش تحلیل گفتمان، سیاست امنیتی ایران را در عرصه منطقه‌ای تحلیل کرده‌اند. همچنین رضایی و شریعتی در مقاله «بررسی تحول از و تحول در گفتمان امنیتی-نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی-نظامی اسلام»، با چارچوب نظری لاکلا و موفه، به بررسی میزان تغییر (یا عدم تغییر) گفتمان امنیتی-نظامی در جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. افزون بر این، پژوهشی با عنوان «دوگانه امنیت و امنیتی‌سازی در روابط بین‌الملل(نمونه: امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران)» به قلم محمدجواد ظریف و ساسان کریمی نگاشته شده است که در آن به مطالعه‌ی تبارشناسانه مفهوم و مصادیق این رویکرد با محوریت استراتژی امنیتی‌سازی ایران در سه دهه گذشته و نیز دیگر موارد می‌پردازند. در مطالعه‌ی دیگری در فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، مقاله‌ای با عنوان «بررسی روند امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ» به قلم سیدمحمدعلی علوی و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی به رشته تحریر درآمده است که در نظر دارد تا با استفاده از

گزاره‌های مکتب امنیتی کپنهاگ به بررسی فعالیت لابی طرفدار اسرائیل در ایالات متحده آمریکا در جهت امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تهدید قلمداد نمودن آن بپردازد. در عین حال، هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده از منظر اسناد رسمی انگلیسی‌ها، سیاست امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی را مورد واکاوی قرار نداده است.

چارچوب مفهومی

مفهوم «امنیتی‌سازی»[1] نخستین بار در مکتب کپنهاگ توسط بری بوزان، ویور و دو ویلده مطرح شد. طبق نظر اصحاب مکتب کپنهاک، «امنیت‌سازی را می‌توان شکل افراطی‌تری از سیاسی‌سازی دانست. از منظر نظری، هر مسئله عمومی را می‌توان بر محوری قرار داد که از حالت غیرسیاسی شده (به این معنا که دولت با آن سر و کار ندارد و در قالب موضوعی برای بحث و تصمیم گیری عمومی نیز مطرح نشده است) تا حالت سیاسی شده امتداد دارد؛ در حالت دوم، مسئله بخشی از سیاست عمومی محسوب می‌شود و نیازمند تصمیم گیری دولتی و تخصیص منابع (یا در موارد نادر، نوع دیگری از حکمرانی جمعی) است. در نهایت، در انتهای این طیف، حالت امنیت‌یافته یا امنیت‌سازی‌شده قرار دارد که در آن، مسئله به‌عنوان تهدیدی وجودی مطرح می‌شود، که مستلزم اقدام‌های اضطراری است و اعمالی را توجیه می‌کند که خارج از حدود عادی رویه‌های سیاسی قرار دارند» (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998: 23–24). همچنین بر اساس توضیح بالزاک، «کنشگر امنیتی‌ساز تلاش می‌نماید، مخاطب را تشویق کند تا شبکه‌ای منسجم از دلالت‌ها (احساسات، ادراکات، افکار و شهودها) درباره آسیب‌پذیری بحرانی یک شیء مرجع بسازند که با دلایل عامل امنیتی‌ساز برای انتخاب‌ها و اقداماتش هم‌خوانی دارد؛ و این کار را با القای چنان هاله‌ای از چهره تهدید بی‌سابقه به شیء مرجع انجام می‌دهد که [نتیجه‌اش این می‌شود که] یک سیاست سفارشی شده باید فوراً برای جلوگیری از گسترش آن در پیش گرفته شود» (Balzacq, 2011: 3). در همین رابطه بری بوزان عنوان می‌کند که امنیتی شدن موضوع الزاماً ربطی به وجود تهدید حقیقی ندارد و می‌تواند از معرفی آن موضوع به عنوان تهدید، نشأت گیرد. روند امنیت چیزی است که در نظریه زبان، کنش کلامی نامیده می‌شود و این عمل الزاماً برای نشان دادن پدیده واقعی نیست و این خود گفتار است که عمل نمایشی محسوب می‌شود. با گفتن

1 Securitization

کلمات، کاری انجام می‌گیرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۱). بر این اساس، این نظریه در درجه اول، امنیت را اقدامی گفتاری می‌داند. این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که مکتب کپنهاگ زبان را کارکردی می‌داند. لذا معتقد است با بیان واژه امنیت، وضعیت سابق تغییر می‌کند... به بیان واضح تر، آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود، همان چیزی است که زبان می‌سازد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۲). وقتی بازیگر امنیتی‌ساز از عبارات تهدیدات وجودی استفاده می‌کند و متعاقباً موضوعی را از شرایط سیاست عادی خارج می‌سازد، با وضعیت امنیتی شده مواجهیم. بنابراین نقطه آغاز فرآیند امنیتی ساختن هر پدیده یا موضوع، با شکل‌گیری ذهنی تهدید وجودی شکل می‌گیرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۵). به هر صورت، چارچوب مفهومی این پژوهش بر پایه این فرض استوار است که گزارش ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا یک «کنش امنیتی‌ساز» است.

چارچوب نظری

پژوهش پیشرو بر اساس چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی۱ (مدل نورمن فرکلاف) صورت‌بندی شده است. در اینجا منظور از *تحلیل گفتمان انتقادی*، نوعی تحلیل است که هدف آن بررسی نظام‌مندِ روابط غالباً پنهانِ علّی و تعیینی میان (الف) شیوه‌ها، رویدادها و متون گفتمانی و (ب) ساختارها، روابط و فرایندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی است. این تحلیل در پی آن است که نشان دهد چگونه چنین شیوه‌ها، رویدادها و متونی از روابط قدرت و کشمکش‌های قدرت برمی‌خیزند و به‌طور ایدئولوژیک توسط آن‌ها شکل می‌گیرند؛ و همچنین بررسی کند که چگونه *پنهان‌بودن* این روابط میان گفتمان و جامعه، خود عاملی برای حفظ و تداوم سلطه و هژمونی است (Fairclough, 1995: 132). به بیان دیگر، تحلیل گفتمان انتقادی در پی آشکارسازی پیوندهای پنهان میان زبان، ایدئولوژی و قدرت است.

از میان رویکردهای متنوع در این روش، چارچوب سه‌سطحی نورمن فرکلاف بیشترین کاربرد را در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل یافته است. فرکلاف بر آن است که تحلیل گفتمان باید هم به سطح خرد زبان توجه کند و هم به سطح کلان بافت اجتماعی-ایدئولوژیک. بدین‌سان، او سه سطح تحلیلی را متمایز می‌کند. وی در کتاب "تحلیل گفتمان انتقادی: مطالعه انتقادی زبان (زبان در زندگی اجتماعی)"[۲] می‌نویسد: «من از یک چارچوب تحلیلی سه‌بعدی برای بررسی ارتباطات

1 Critical Discourse Analysis: CDA
2 Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language (Language in Social Life)

در رویدادهای گفتمانی خاص استفاده می‌کنم. هر رویداد گفتمانی سه بُعد یا جنبه دارد: متن، زبانی گفتاری یا نوشتاری است؛ شیوه گفتمانی (فرایند گفتمان)، شامل تولید و تفسیر متن است؛ و عمل اجتماعی، شامل بخشی از کنش و ساختار اجتماعی است. این سه بُعد در واقع سه دیدگاه یا سه شیوه مکمل برای درک و خوانش یک پدیده اجتماعی پیچیده‌اند. در تحلیل در سطح عمل اجتماعی، تمرکز من بر جنبه سیاسی است: یعنی بررسی رویداد گفتمانی در پیوند با روابط قدرت و سلطه» (Fairclough, 1995: 133).

۱. تحلیل متن[1]: در این سطح، تمرکز بر ویژگی‌های زبانی و صوری متن است؛ مانند انتخاب واژگان[2]، استعاره‌ها، افعال وجهی، ساختارهای نحوی و انسجام درونی. این مرحله نشان می‌دهد که چگونه زبان با برجسته‌سازی یا حذف عناصر خاص، به بازنمایی پدیده‌ها کمک می‌کند.

۲. تحلیل رویه گفتمانی[3]: این سطح به فرآیندهای تولید، توزیع و مصرف متن می‌پردازد. در اینجا، پژوهشگر بررسی می‌کند که متن چگونه در بستر نهادی و رسانه‌ای تولید شده و چه گروه‌هایی در بازتفسیر یا بازتولید آن نقش دارند.

۳. تحلیل بافت اجتماعی[4]: در این سطح، گفتمان به‌عنوان بخشی از ساختارهای کلان اجتماعی و ایدئولوژیک مطالعه می‌شود. پرسش اصلی آن است که متن چگونه روابط قدرت، سلطه یا مقاومت را بازتولید می‌کند و چه نقشی در تثبیت هویت‌ها و ساختارهای هژمونیک دارد (Fairclough, 1992, 133-134).

کاربست گام‌به‌گام در این پژوهش

با اتکا به الگوی فرکلاف، کاربست تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش حاضر به‌صورت مرحله‌ای به شرح زیر طراحی شده است:

- گردآوری داده‌ها: استخراج متن کامل گزارش ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا درباره ایران به‌عنوان داده اصلی پژوهش.

1 Text Analysis
2 lexical choices
3 Discursive Practice
4 Social Practice

- تحلیل متن: شناسایی و کدگذاری واژگان تهدیدآمیز (مانند تروریسم، تهدید هسته‌ای)، استعاره‌های امنیتی نظیر «ایران به‌مثابه تهدید وجودی»، و ساختارهای نحوی که بار معنایی خاصی دارند (برای نمونه استفاده از جملات خبری قطعی در مقابل جملات احتمالی).
- تحلیل رویه گفتمانی: بررسی این‌که متن چگونه و در چه بستر نهادی تولید شده است (مثلاً نقش کمیته اطلاعات و امنیت به‌عنوان نهاد قانون‌گذار)، چگونه توسط رسانه‌های انگلیسی و غربی بازنشر یافته و چگونه به سیاست‌گذاری عملی (تحریم‌ها و فشارها) پیوند خورده است.
- تحلیل بافت اجتماعی: تبیین اینکه این گفتمان چگونه در بستر کلان روابط ایران و غرب و در چارچوب هژمونی گفتمان امنیتی غربی معنا پیدا می‌کند؛ یعنی چگونه «ایران» به‌عنوان «دیگری تهدیدگر» بازنمایی می‌شود و این بازنمایی چه نقشی در تداوم سیاست‌های خصمانه لندن دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی گزارش ۲۰۲۵

به منظور تحلیل گفتمان انتقادی گزارش ۲۰۲۵ پارلمان انگلستان، بایستی متن این گزارش از ابعاد سه گانه مورد واکاوی قرار گیرد:

گام اول؛ تحلیل متن

در قدم اول، ساختارهای زبانی و معنایی متن گزارش پارلمان انگلیس که شامل واژگان، دستور، استعاره‌ها، انسجام و سازمان کلی متن است، مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

الف) واژگانِ تهدیدنما

- تهدید[1] (T1): در بخشهای مختلف این گزارش از واژگانی استفاده شده است که تصویری تهدیدآمیز از ایران ارائه می‌کند. به طور مثال در متن آمده است: «بزرگ‌ترین سطح تهدیدی که هم‌اکنون از جانب ایران متوجه ماست» (ISC, 2025: 4). واژه‌ی مرکزیِ گزارش، با تکرار

1 Threat

و ترکیب با صفات (بزرگترین، قابل توجه، حیاتی)[1] سطح حساسیت را بالا می‌برد و ایران را به‌عنوان منبعِ خطرِ بالقوه ترسیم می‌کند.

- عملیات میدانی(ترور، آدم‌ربایی، حمله فیزیکی)[2] (T2): در گزارش ادعا شده است که «ایران ترور را به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی خود به کار می‌بندد» (ISC, 2025: 4). همچنین در این سند ادعا می‌شود که «دست‌کم ۱۵ بار اقدام برای ترور یا آدم‌ربایی ... از اوایل سال ۲۰۲۲ میلادی به این سو» (ISC, 2025: 4 & 60-61). باید توجه داشت که افعالِ مستقیم[3] نمایه‌سازیِ عامل و نشان‌دهنده‌ی قصد/قابلیتِ عملیاتی برای آسیب‌رساندن در خاکِ بریتانیا است.
- جاسوسی[4] (T3): انتخاب عنوان و تیتر یک بخش با تعبیر «تهدید: جاسوسی» (ISC, 2025: 75) و همچنین تکرار گزاره جاسوسی مانند اینکه ایران به عنوان «تهدید جاسوسی قابل توجه» معرفی می شود (ISC, 2025: 75). «جاسوسی» بُعد اطلاعاتیِ تهدید را تقویت می‌کند و بر وجودِ نفوذ اطلاعاتی و هدف‌گیریِ مراکز حساس بریتانیا از سوی ایران انگشت می‌گذارد.
- سایبری[5] (T4): تعبیر دیگر قدرت نامتقارن است – به ویژه در حوزه سایبری[6] و عملیات نفوذ سایبری[7] (ISC, 2025: 4 & 104). این تعابیر اشاره به قابلیت‌های «غیرمتقارن» که هزینه‌ی پاسخ را افزایش می‌دهد و تهدید را گسترده و نامحدود نشان می‌دهد.
- نیروهای نیابتی[8] (T5): در متن گزارش مقامات انگلیسی مدعی می‌شوند که ایران «به شبکه‌ای از گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی همسو ... آموزش، کمک‌های مرگبار و بودجه ارائه می‌دهد» (ISC, 2025: 41 & 58). کلیدواژه «نیابتی»، امکان نسبت‌دادنِ خشونت خارج از مرزهای رسمی ایران را می‌دهد و همزمان «قابلیت انکار» را برجسته می‌سازد.

---

1 greatest, significant, critical
2 Assassination, kidnap, physical attack
۳ افعالی مانند (uses, attempts)
4 espionage
5 cyber / influence operations
6 asymmetric strength – notably cyber
7 cyber-enabled influence operations
8 proxy / aligned militant and terrorist groups / lethal aid

- قابلیت ایجاد مخاطره[1] (T6): افزون بر این، تعابیری چون «ایران میل زیادی به ریسک‌پذیری دارد» و «ایران ریسک‌پذیری بالاتری دارد» (ISC, 2025: 4 & 60). لغتِ (اشتیاق و میل)[2] بارِ احساسی و انگیزشی می‌دهد؛ ایران نه صرفاً توان بلکه «اراده ایجاد خطر» دارد.
- آینده هراسی[3] (T7): گزاره‌هایی همچون «خطر تشدید مدیریت نشده»، «نوسانات نگران‌کننده»، «تهدید کمتر قابل پیش‌بینی، خطرناک‌تر» (ISC, 2025: 13 & 26 & 229)، مسأله آینده‌هراسی را تولید و بازتولید می‌کنند؛ در واقع تلاش شده است تا این ذهنیت ایجاد شود که تهدید نه فقط حالتی موجود، بلکه فرایندی بالقوه فزاینده و تشدیدشونده است.

جمع‌بندیِ واژگانی نشان می‌دهد که گزارش پارلمان انگلیس با طیفی از واژگانِ خشن و نظامی/امنیتی همچون «ترور، کمک‌های مرگبار، تشدید تنش، تهدید، جاسوسی، سایبری، نیروهای نیابتی»[4] ایران را در قالب یک تهدید چندبعدی و فعال ساختاری معرفی می‌کند.

ب) استعاره‌های امنیتی

- عمق راهبردی[5] (S1): در جملاتی مانند «این شبکه بخشی از دکترین "عمق استراتژیک" ایران است...» (ISC, 2025: 58 & 242)، استعاره «عمق» به مفهوم نظامی/ژئواستراتژیک اشاره می‌کند و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگری که لایه‌ها و عمق دفاعی/تهاجمی دارد، تصویر می‌شود.
- دفاع آفندی و پیشرو[6] (S2): همچنین در عبارت «به عنوان بخشی از سیاست "دفاع آفندی" ... ایران اغلب از طریق گروه‌های نیابتی عمل می‌کند» (ISC, 2025: 4 & 15)، «دفاع پیش‌رو» عملِ تهاجمی را توجیه می‌کند اما در متنِ گزارش به عنوان منطقِ رفتاری ایران برای فعالیت‌های برون‌مرزی ارائه شده است.
- تعابیر نظامی[7] (S3): در تعابیری مانند «قابلیت‌های نامتقارن»، «وسیله ای قابل انکار برای حمله به دشمنان» (ISC, 2025: 15 & 58)، این استعاره‌ها تکنیک‌های «جنگ نوین» را ترسیم می‌کنند و خطر را هم پیچیده و هم پنهان‌پذیر نشان می‌دهند.

1 /intent & capability / risk appetite / higher risk appetite
2 Appetite
3 «escalation / unmanaged escalation / volatility / unpredictability»
4 (assassination, lethal aid, escalation, threat, espionage, cyber, proxy)
5 strategic depth
6 forward defence
7 asymmetric capabilities / deniable means

- بقا و امنیت نظامی[1] (S4): بازگشت به استعاره «بقا» (ISC, 2025: 229) به معنای تهدیدِ وجودی و توجیهِ اقدامات سخت در پاسخ به آن است.

ج) ساختارهای نحوی و مودالیته

- افعال فعال با فاعلیت ایران (فعل معلوم) (Y1)؛ به طور مثال: «ایران از ترور استفاده می‌کند...»، «ایران از این گروه‌ها حمایت می‌کند...» (ISC, 2025: 4 & 41 & 58) فعال‌سازیِ فاعل (تصریح بر نقش ایران) عاملِ مستقیمِ تهدید را برجسته می‌کند — ساده و مسئول‌ساز است.

- مجهول‌سازی یا صفات غیرشخصی (Y2)؛ به طور مثال: «ارزیابی شده است»، «مورد قضاوت قرار گرفته است»، «به کمیته اطلاع داده شده است» (ISC, 2025: 75 & 104). وقتی گزارش می‌گوید «جامعه اطلاعاتی ارزیابی کرد...» یا از ساختارهای مجهول استفاده می‌کند، ادعاها رسمی و «تحلیل‌پذیر» جلوه می‌کنند و گاهی هم منبع را جانشین سخن‌گوی مشخص می‌سازد؛ این هم مشروعیت‌بخشی است و هم فاصله‌گذاریِ قانونی/فنی.

- وجوه معرفتی (درجه اطمینان) و تکلیفی (درجه الزام) همچون «ممکن است، می‌تواند، خواهد شد، تقریباً مطمئناً، احتمالاً» (Y3)؛ به طور مثال: «ممکن است به معنی»، «می‌تواند به سرعت تغییر کند»، «احتمال دارد که»، «تقریباً مطمئناً ادامه خواهد یافت» (ISC, 2025: 104 &13 & 4). مودال‌ها به درجات اطمینان و پیش‌بینی اشاره می‌کنند؛ «تقریباً مطمئناً» قوی و قطعی است، افزون بر این، تعابیر مثل «ممکن است/می‌تواند» فضایی برای احتیاط یا گسترشِ تهدید باز می‌گذارد.

- برچسب‌زنی و نام‌گذاری[2] (Y4)؛ به طور مثال: «عملیات مداخله»، «گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی همسو»، «خطر تشدید مدیریت نشده درگیری»، «نیت و توانایی» (ISC, 2025: 104 & 41 & 229). تبدیلِ فعل به اسم، فرآیندها را به «مساله» تبدیل می‌کند؛ چیزی عینی و سنجیدنی که می‌توان بر اساس آن سیاست‌گذاری کرد.

1 survival
2 Nominalization

- ارجاع به منابع و ساختارِ استنادی (Y5)؛ به طور مثال: نقل قول‌هایی از مقامات مانند اینکه «ام‌آی۵ به کمیته گفت»، «شواهد شفاهی» (ISC, 2025: 75 & 104). استناد به نهادهای اطلاعاتی (MI5, JIO, NCSC) مدعای گزارش را فنی/قابل‌اتکا جلوه می‌دهد و در عین حال زبانِ تهدید را از حیث سیاسی مشروع می‌سازد.
- موضوع‌سازی در بیانیه‌های نتیجه‌گیری (Y6)؛ به طور مثال: «به نظر می‌رسد تهدید ایران افزایش یافته است... این بدان معناست که رژیم ممکن است به شیوه‌ای تحریک‌آمیزتر عمل کند...» (ISC, 2025: 229). جملات قوی و قطعیت‌دار دارد. این نوع جملات چهره‌ی تحلیلیِ گزارش را به «داوری» و «دستورکار» نزدیک می‌کند.
- قاب‌بندی مقایسه‌ای (Y7): عباراتی چون «در سطحی کاملاً قابل مقایسه با آنچه روسیه مطرح کرده است» (ISC, 2025: 4)، در مقام مقایسه با بازیگران بزرگ مانند روسیه و چین، جایگاه تهدید ایران را علیه انگلیس ارتقا می‌دهد و زمینه تخصیص منابع یا اقدامات متقابل را توجیه می‌کند.

د) نقشِ ترکیبیِ این نشانه‌ها در «امنیتی‌سازی»

- کاراکتر یا شخصیت تهدید فعال: گزینش واژگانِ فعل‌محور («ایران از... استفاده می‌کند»، «ایران از...حمایت می‌کند») ایران را به‌صورت عاملِ فعال و دارای قصد معرفی می‌کند — این نوع عامل‌سازی، راه را برای پاسخ نظامی/امنیتی باز می‌گذارد.
- چندبعدی‌سازی تهدید: هم‌زمان‌سازی انواع حوزه‌ها (فیزیکی، هسته‌ای، سایبری، جاسوسی، نیروهای نیابتی) یک تصویرِ «چندوجهی» می‌سازد که دشواریِ مدیریت و ضرورتِ اقدامِ فراگیر را القا می‌کند.
- اقتدار و مشروعیتِ دانش‌محور: گزارش مرتباً به نهادهای اطلاعاتی و شواهد استنادی ارجاع می‌دهد؛ این «علمی» جلوه‌دادنِ ادعاها، ظرفیتِ گزارش برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات (تحریم، بازدارندگی، اقدامات حفاظتی در داخلِ بریتانیا) را تقویت می‌کند.

- ایجاد حسِ ناگزیر بودن/پیش‌بینی‌پذیری: استفاده از مودال‌های قوی در برخی گزاره‌ها («تقریباً مطمئناً...») همراه با نام‌گذاری و استعاره‌های نظامی، فضا را برای توجیه سیاست‌های «فوق‌العاده و ویژه» آماده می‌کند.

این مرحله یعنی «تحلیل متن» نشان می‌دهد که گزارش پارلمان انگلیس، با مجموعه‌ای از گزینش‌های کلامی و ساختاری، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان «دیگریِ تهدیدگرِ چندوجهی» معرفی می‌کند.

گام دوم؛ تحلیل رویه گفتمانی

در این مرحله تمرکز از سطح صرفاً زبانی به سطح رویه گفتمانی منتقل می‌شود؛ یعنی بررسی اینکه گزارش ۲۰۲۵ کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا چگونه تولید، توزیع و مصرف شده و چه شبکه‌ای از بازیگران در مشروعیت‌بخشی و بازتولید آن نقش دارند.

الف) بستر نهادیِ تولید

- نهاد تولیدکننده گزارش: کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان انگلیس یک نهاد فراملی و ویژه است که اعضای آن از سوی نخست‌وزیر منصوب می‌شوند و وظیفه‌اش نظارت بر سرویس‌های اطلاعاتی این کشور (MI5، MI6، GCHQ، NCSC، JIO) است. به تعبیر دقیق‌تر، اعضای کمیته توسط پارلمان منصوب می‌شوند و کمیته مستقیماً به پارلمان گزارش می‌دهد. با این حال، نامزدی اعضا باید از سوی نخست‌وزیر انجام شود (Dawson, 2016: 4).
- ویژگی مهم کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان انگلیس: از یک‌سو در ساختار پارلمان جای دارد، اما در عمل بازوی رابط میان دستگاه اطلاعاتی/امنیتی و قدرت قانون‌گذاری محسوب می‌شود. اعضای کمیته مشمول بند ۱ از قانون اسرار رسمی ۱۹۸۹[1] هستند و در انجام وظایف خود به اطلاعات «بسیار محرمانه» دسترسی دارند (Dawson, 2016: 4). این جایگاه باعث می‌شود متن گزارش ایران هم «مشروعیت دموکراتیک» داشته باشد (منتشرشده از سوی پارلمان) و هم «اقتدار فنی–امنیتی» (بر پایه داده‌های MI5، MI6 و نهادهای امنیتی).

1 Official Secrets Act 1989

- معنای گفتمانی: وقتی متن از دل نهادی شبه‌پارلمانی بیرون می‌آید، تهدیدنمایی از ایران نه به‌عنوان موضع شخصی سیاستمداران، بلکه به‌عنوان «اجماع نهادی» و «دانش تخصصی رسمی» بازنمایی می‌شود. این امر به سیاست‌مداران دولت (کابینه) امکان می‌دهد بر مبنای یک «سند مرجع» تصمیم بگیرند و افکار عمومی نیز آن را به‌عنوان تحلیل معتبر بپذیرد.

ب) بستر رسانه‌ای و بازنشر

- بازتاب در رسانه‌های جریان اصلی بریتانیا: بلافاصله پس از انتشار، رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی، گاردین، تایمز و تلگراف بخش‌هایی از گزارش را برجسته کردند، به‌ویژه ادعاهایی در مورد «۱۵ طرح ترور یا آدم‌ربایی ایران در خاک بریتانیا»؛ «تهدید سایبری و جاسوسی هم‌سطح روسیه»؛ «استفاده ایران از گروه‌های نیابتی برای بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه».
- چگونگی بازنشر: رسانه‌ها گزاره‌های ادعایی کلیدیِ تهدیدزا مانند ترور، جاسوسی، اقدامات سایبری و نیروهای نیابتی را تیتر کردند و به جای تمرکز بر جزئیات فنی، تصویر کلی «ایران به‌عنوان تهدید فعال و نزدیک» را تکرار کردند.
- بازنشر در سطح فراملی: خبرگزاری‌های آمریکایی نیویورک تایمز و واشنگتن پست و صهیونیستی اورشلیم‌پست و هاآرتس نیز بخش‌های کلیدی را پوشش دادند و آن را در کنار مواضع دولت‌هایشان قرار دادند. در سطح فراآتلانتیک، گزارش با روایت کنگره آمریکا و نهادهای امنیتی رژیم صهیونی هم‌افزایی معنایی پیدا کرد.
- معنای گفتمانی: این بازنشر رسانه‌ای نشان می‌دهد متن فقط یک سند داخلی بریتانیا نیست، بلکه بخشی از «زنجیره‌ی بین‌المللی تولید معنا» درباره ایران است؛ زنجیره‌ای که روایت «ایران = تهدید چندبعدی» را در سطح غرب تثبیت می‌کند.

ج) پیوند با سیاست‌گذاری عملی

- در سطح داخلی بریتانیا: گزارش این کمیته اطلاعاتی و امنیتی، مستقیماً در اختیار کمیته‌های پارلمانی دیگر و کابینه قرار می‌گیرد. پس از انتشار، وزارت کشور و سرویس اطلاعات داخلی موسوم به MI5 بر اساس یافته‌های آن توجیه می‌کنند که «افزایش بودجه ضدتروریسم» یا «تقویت همکاری سایبری با متحدان» ضروری است. همچنین پس از انتشار گزارش، دولت

انگلیس فشار بیشتر و بررسی بسته تحریمی تازه علیه افراد و نهادهای مرتبط با ایران را در دستور کار قرار داده است، چنانکه در ماجرای فعال‌سازی مکانیسم ماشه نیز مشاهده شد.

- در سطح اتحادیه اروپا و ایالات متحده: گزارش ضدایرانی پارلمان انگلیس، با تأکید بر «۱۵ طرح ترور در خاک بریتانیا» عملاً همان روایتی را تقویت می‌کند که آمریکا در ۲۰۲۲–۲۰۲۴ درباره «ایران به‌عنوان تهدید امنیتی برای اتباع غربی» ساخته بود. به این ترتیب، گزارش مذکور به‌عنوان «مدرک اروپایی» برای همسویی بیشتر با واشینگتن و تل‌آویو استفاده شد؛ مشروعیت‌بخش به سیاست «تحریم هماهنگ»، «بازدارندگی مشترک» و حتی گزینه نظامی علیه ایران است.

در واقع متن، کنش «امنیتی‌سازی» را کامل می‌کند: تهدیدنمایی در سطح متن (واژگان/استعاره‌ها)؛ تثبیت در سطح رسانه (تیتربندی، بازتکرار) و ترجمه به اقدام سیاستی (تحریم‌های جدید، تقویت همکاری اطلاعاتی و نظامی). این گزارش نمونه‌ای از متن نهادی–رسانه‌ای است: تولیدشده در بستر امنیتی–پارلمانی، بازنشر یافته در رسانه‌های جریان اصلی، و به‌سرعت پیوندخورده با تصمیم‌های عملی در سیاست خارجی و امنیتی. در منطق فرکلاف، این سطح نشان می‌دهد که متن نه تنها محصول زبان، بلکه «بخشی از شبکه اجتماعی تولید معنا» است؛ شبکه‌ای که از سرویس اطلاعات داخلی ام.آی.۵ و سرویس اطلاعات خارجی ام.آی.۶ آغاز می‌شود، در کمیته امنیتی پارلمان انگلیس رسمی می‌شود، در رسانه‌ها بازتولید می‌گردد، و نهایتاً به تحریم‌ها و راهبرد «مدیریت بحران دائمی» علیه ایران ختم می‌شود.

گام سوم؛ سطح بافت اجتماعی

ابتدا چارچوب کلان و یادآوریِ منابع گزارش پارلمان انگلیس و سپس نشان داده می‌شود که چگونه «ایران» در این گزارش و شبکه بازنشر آن به‌عنوان «دیگریِ تهدیدگر» ساخته می‌شود، و در نهایت پیامدهای این بازنمایی برای تداوم سیاست‌های خصمانه لندن را تبیین می‌شود.

الف) سازوکارِ «دیگری‌سازی»[1] در سطحِ بافت اجتماعی

تحلیل نشان می‌دهد بازنماییِ «ایران = تهدید» از چند راهکار هم‌زمان تولید و تثبیت می‌شود:

1 Othering

- تاریخی-پیوستگی: گزارش و بازنشر رسانه‌ای‌اش با روایت‌های تاریخیِ پیشین (نمونه: تاریخچه خصومت و مداخلات غرب) هم‌پوشانی می‌کند و بدین‌وسیله ساختارِ «دشمنیِ دیرپا» را بازتولید می‌کند. این پیوستگی تاریخی باعث می‌شود تهدیدِ کنونی به‌عنوان استمرارِ یک «الگوی رفتاری» تفسیر شود (نگرشِ مستمر لندن به ایران به‌عنوان «عرصه راهبردی»).

- نیابتی‌سازی تهدید از طریق برچسب‌زنی: نمایش استفاده ایران از «گروه‌های نیابتی» و «قابلیت‌های نامرئی/قابل انکار» تبدیلِ تهدید از «دولت» به «شبکه‌ای فرامرزی» را ممکن می‌سازد؛ این برچسب‌زنی، مقابله را از مرزهای رسمی فراتر برده و دامنه اقدامات «پیش‌دفاعی و پیش‌دستانه» را توجیه می‌کند.

- فنی‌سازی/علمی‌سازیِ ادعاها: استناد مکرر به نهادهای اطلاعاتی و شواهد، ارزیابی‌های تخصصی، موجب می‌شود گزاره‌ها نه صرفاً سیاست‌محور بلکه «دانشی» به نظر برسند؛ این کاری‌ست که بازنمایی را از حوزه سیاست روزمره بیرون کشیده و آن را به سطحِ ضرورتِ امنیتی ارتقا می‌دهد. چنین «علمی‌نمایی» نقش کلیدی در مشروعیت‌بخشی به تحریم‌ها و اقدامات سخت و حتی گزینه جنگ دارد.

- تقویت آینده‌هراسی: استفاده از مودال‌های پیش‌بینانه و واژگانی مانند «تشدید/ غیرقابل پیش‌بینی بودن/ افزایش ریسک‌پذیری» تصویری از خطرِ فزاینده و غیرقابل‌پیش‌بینی می‌سازد که «اقدام فوری» را توجیه می‌کند؛ این چشم‌اندازِ آینده‌هراسانه، ابزار بازتولیدِ ضرورتِ سیاست‌های استثنایی است.

ب) شبکه بین‌متنی (شیوه بازتولید گزارش)

پارلمان و دولت: این گزارش در جلسات پارلمانی (۱۰ جولای ۲۰۲۵) بحث شد (Hansard, 2025) و پاسخ دولت در سپتامبر ۲۰۲۵ ارائه شد. دولت انگلیس ذیل پاسخ رسمی‌اش بر لزوم «اقدامات عملی» تأکید کرد؛ از جمله اعلام تدابیر تحریمی و افزایش

فهرست تحریم‌ها. انتشار پاسخ رسمی دولت[1] نشان می‌دهد که گزارش نه تنها بازنشر شد، بلکه مستقیماً به دستورکار سیاست‌گذاران داخلی راه یافته است (Gov.uk, 2025).

همگرایی غربی: رسانه‌ها و نهادهای آمریکایی/اسرائیلی و همچنین اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی (مانند چاتم هاوس و مراکز تحلیلی دیگر) تحلیل‌های مشابه یا تقویت‌کننده منتشر کردند؛ این همگرایی سبب شد گزارش کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا به «سند اروپایی» برای همسویی عملی با واشینگتن و تل‌آویو بدل شود (نمونه‌هایی از مواضع و تحلیل‌های سیاستی موجود را در تحلیلهای این دو اندیشکده می‌توان دید[2]).

ج) پیامدهای سیاستی و روابط قدرت

مشروعیت‌بخشی به تحریم‌ها و اقدامات تقابلی: وقتی تهدید به‌صورت مؤکد، فنی و تکرارشونده گزارش می‌شود، دولت‌ها و پارلمان‌ها (و در پی آن نهادهای اجرایی) از این متن به‌عنوان توجیه برای اعمالِ بسته‌های تحریمی، محدودیت‌های مالی (مثلاً تحریم علیه هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و اشخاص/نهادها) و افزایش همکاری‌های اطلاعاتی–نظامی استفاده می‌کنند. (اعلان‌های تحریمی و بیانیه‌های رسمی دولت انگلیس پس از گزارش).[3]

تثبیت هویتِ «دیگریِ تهدیدگر»: بازنماییِ مکررِ «ایران به‌عنوان تهدید چندبعدی» هویتِ ایران را به‌عنوان تهدیدِ ساختاری تثبیت می‌کند؛ این هویت نه فقط رفتارهای مشخص، بلکه خود «ذات» سیاست خارجی و داخلی ایران را در چارچوب تهدید می‌نشاند. نتیجه این تثبیت، کاهش فضای دیپلماتیک سازنده برای «تعامل عادی» و افزایش پشتیبانی سیاسی داخلی برای رویکردهای بازدارنده خواهد بود.[4]

1 Government Response to the Intelligence and Security Committee of Parliament Report 'IRAN'
2 https://www.chathamhouse.org/regions/middle-east-and-north-africa/iran & https://policyexchange.org.uk/publication/the-iran-question-and-british-strategy/
3 https://www.gov.uk/government/news/uk-sanctions-networks-enabling-irans-destabilising-activity
۴ به این گزارش مراجعه کنید:
isc.independent.gov.uk/wp-content/uploads/2025/07/Intelligence- https://isc.independent.gov.uk/wp-content/uploads/2025/07/Intelligence-and-Security-Committee-of-Parliament-Iran.pdf and-Security-Committee-of-Parliament-Iran.pdf

سیاست‌گذاری مبتنی بر مدیریت بحران دائمی: وقتی گزارش‌ها و بازنشرها تشدیدِ ناگهانی یا «اپیزودهای» خطر را برجسته می‌کنند، خط‌مشی‌ها به سمت «مدیریت بحران» و سرمایه‌گذاریِ مستمر در ابزارهای امنیتی (افزایش بودجه ضدتروریسم، تقویت توان سایبری، افزایش همکاری‌های اطلاعاتی بین‌المللی) سوق می‌یابد؛ این سیاست‌ها در زمانِ عدم تقارن قدرت، منجر به کاهشِ راهبردهای دیپلماتیک و نرم‌افزاری می‌شود.[۱]

در هر صورت، انعکاسِ سیاستی و چرخه خودتقویتیِ گفتمانی این گزارش را می‌توان این گونه تصور کرد: تهیه گزارش کمیته پارلمانی بریتانیا، انتشار و بازنشر در رسانه‌ها (تیترها)، انعکاس نگرانی عمومی در پارلمان، تصویب اقدامات اجرایی در پارلمان و دولت (تحریم، تقویت اطلاعاتی) که همین اقدامات تبدیل به شواهدی می‌گردد که سپس به‌عنوان مدرکِ «تهدیدِ اثبات‌شده» در گزارش‌های بعدی و سخنرانی‌ها استفاده می‌شوند. این حلقه‌ی بازخورد، گفتمان امنیتی را باثبات‌تر و نفوذ آن در عرصه سیاست خارجی را پایدارتر می‌کند. مثالِ عملی آن هم «افزایش فهرست تحریم‌ها و اعلام رسمی دولت مبنی بر همکاری بیشتر با متحدان برای مهار نفوذ ایران» است. این بازنمایی از تهران نه‌تنها روی سیاست لندن در قبال جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد، بلکه در سازوکارهای اتحادیه اروپا و هم‌پیمانان فراآتلانتیکی نیز بازتولید می‌شود چنانکه تحرکاتی برای بازگشت یا تشدید تحریم‌ها در محور فرانسه/آلمان/انگلیس (در قالب فعال‌سازی اسنپ‌بک) آغاز شد؛ این امر فضای تعاملیِ دیپلماتیک را تنگ‌تر می‌کند و احتمال تقابل و عدم اعتماد در پرونده هسته‌ای و منطقه‌ای را افزایش می‌دهد.[۲]

به نظر می‌رسد که نتایج واقع‌گرایانه و پیامدهای محتمل برای جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی‌اش به شکلی رقم خواهد خورد که می‌توان انتظار داشت، در آینده نزدیک گزینه زیر در دستور کار قرار بگیرد:

---

۱ به این گزارش مراجعه کنید:

https://www.gov.uk/government/publications/government-response-to-the-intelligence-and-security-committee-of-parliament-report-iran

۲به این گزارش مراجعه کنید:

https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/CBP-10292/CBP-10292.pdf

- **دیپلماسی محدود و فشار اقتصادی/سیاسی پیوسته**: بازنماییِ مستمرِ «تهدید» به توجیه تحریم‌های بیشتر، تلاش برای انزوای دیپلماتیک مقطعی و فشار مالی منجر می‌شود. (شواهد: اعلان‌های تحریمی و هماهنگی با شرکا)[1].
- **هدف‌گیری دیاسپورا و فعالان ایرانی خارج از کشور**: تأکید بر ادعاهایی چون «تلاش‌های تروریستی/نیابتی» حساسیت دولت میزبان را نسبت به فعالیت‌های سیاسی ایرانیان و گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی بالا می‌برد؛ این می‌تواند به بازداشت‌ها، پیگردها یا فشارهای امنیتی در جوامع ایرانی‌تبار منجر شود.
- **افزایش هزینه تهدیدزدایی و بازدارندگی:** هزینه‌های اطلاعاتی، نظامی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته و سیاست‌گذاری لندن احتمالاً برای دوره بلندمدت بر مدیریت تهدید و نه گفت‌وگو متمرکز خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از این نوشتار پاسخ به این سوال بود که «چگونه گزارش پارلمان انگلیس، ایران را به‌مثابه یک تهدید چندوجهی امنیتی بازنمایی کرده است؟». به این ترتیب، این گزارش در چارچوب مفهوم امنیتی‌سازی و بر مبنای روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، در سه سطح متن، رویه گفتمانی و بافت اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفت. نتایج نشان می‌داد که در سطح زبان، واژگان تهدیدآمیز (ص. ۱۲، ۱۸، ۴۵، ۷۷، ۹۳، ۱۳۴، ۱۵۰) و افعال وجهی الزام‌آور (ص. ۱۵۰، ۱۵۸) دارد که جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی فوری و وجودی بازنمایی می‌کنند. در سطح رویه گفتمانی هم گفته شد که متن در بستر نهادی پارلمان انگلیس تولید و از طریق رسانه‌ها و سیاست‌گذاری بازتولید می‌شود (ص. ۱۶۵، ۱۷۲). همچنین در سطح بافت اجتماعی، ایران به‌عنوان «دیگری تهدیدگر» تثبیت و سیاست‌های بریتانیا در قالب «ضرورت امنیتی» مشروعیت می‌یابد (ص. ۱۹۰، ۱۹۵).

در واقع می‌توان دید که گزارش کمیته پارلمانی بریتانیا و شبکه بازنشرِ رسانه‌ای-نهادیِ پیرامونش، ایران را به‌عنوان «تهدید چندوجهی» بازنمایی کرده و با ترکیبِ زبانِ فنیِ اطلاعاتی،

1 https://www.gov.uk/government/news/uk-sanctions-networks-enabling-irans-destabilising-activity

آمار و استعاره‌های نظامی، زمینه مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های تحریمی و بازدارنده لندن را فراهم کرده‌اند. این چرخه بازخورد میان گزارش‌ها، رسانه‌ها و اقدامات سیاستی، امنیتی‌سازی را پایدار می‌سازد و امکان بازگشت به زیستِ دیپلماتیکِ عادی را تضعیف می‌کند. در پرتو تحلیل سه‌لایه‌ای متن، رویه گفتمانی و بافت اجتماعی گزارش کمیته، می‌توان دریافت که بازنمایی ایران در این اسناد نه صرفاً یک ارزیابی امنیتی، بلکه بخشی از فرایند گسترده‌تر «امنیتی‌سازی» است که از طریق زبان تهدیدآمیز، استناد به نهادهای اطلاعاتی و بازنشر رسانه‌ای تقویت می‌شود. در چنین بستری، سیاست‌گذاری بدون مداخله گفتمانی به دشواری به سمت کاهش تنش سوق خواهد یافت.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از اقدامات مکمل در دستور کار قرار گیرد که مهمترین جز آن تقویت «دیپلماسی روایت» از سوی ایران برای ارائه روایت‌های متقابل و قابل سنجش در رسانه‌ها و محافل نخبگی غربی است. همچنین به نظر می‌رسد که اقدام متقابل با تهیه و انتشار گزارشی از فعالیت‌های مخرب دستگاه‌های امنیتی انگلیس در جمهوری اسلامی ایران و منطقه می‌تواند تا حدی مانع یکه‌تازی مقامات لندن شود.

فهرست منابع

Balzacq, Thierry, (2011). Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve. Routledge.

Buzan, Barry, Wæver, Ole, & de Wilde, Jaap de, (1998), Security: A New Framework for Analysis. Boulder: Lynne Rienner.

Documents from the U.S. Espionage Den (n.d.). Tehran: Institute for Political Studies and Research, Digital Edition. (In Persian)

Dawson, Joanna, (2016), The Intelligence and Security Committee, House of Commons.

Ferrier, Ronald W, (1982), The History of the British Petroleum Company: Volume 1, The Developing Years 1901–1932. Cambridge University Press.

Fairclough, N. (1992). Discourse and Social Change. Cambridge: Polity Press.

Fairclough, Norman, (1995). Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language. London: Longman.

Gasiorowski, Mark J, (1987), The 1953 coup d'état in Iran. International Journal of Middle East Studies, 19(3).

Gov.uk, (2025), Government Response to the Intelligence and Security Committee of Parliament Report 'Iran', date: September 2025, at: https://assets.publishing.service.gov.uk/media/68b865b33f3e5483efdba96d/FINAL_Government_Response_to_the_Intelligence_and_Security_Committee_of_Parliament_Report_-_Iran.pdf

Hansard, (2025), Intelligence and Security Committee: Iran Report, date: 10 July 2025, at: https://hansard.parliament.uk/commons/2025-07-10/debates/25071036000020/IntelligenceAndSecurityCommitteeIranReport.

Majd, M. G. (2007). The Great Famine. (Trans. M. Karimi). Tehran: Institute for Political Studies and Research. (In Persian)

Tafreshi, M. (2012, February 26). Iraq's Support for Shapour Bakhtiar: According to the 1981 Documents of the UK National Archives. Tarikh-e Irani [Iranian History] website. Available at: http://tarikhirani.ir/fa/news/1874 (In Persian)

Tavakoli, F. (2007). Chronology of Iran–Britain Relations. Tehran: Center for Diplomatic Documents and History, First Edition. (In Persian)